

شرح یک بیت مثنوی معنوی

دکتر هاشم محمدی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد - گچساران

□ سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

تا بگویم شرح درد اشتیاق
شارحان **مثنوی معنوی** از دیرباز تاکنون «شرحه» را پاره‌گوشتی که از درازا بریده باشند و شرحه شرحه را: پاره‌پاره، تکه‌تکه معنی کرده‌اند که کاملاً درست و به‌جاست.

دکتر محمد استعلامی ذیل همین بیت و در تعلیقات آورده‌اند که: دلی پاره پاره از غم و گرفتار عشق. کسی که دلی درد آشنا داشته باشد، می‌تواند درد اشتیاق خود را به پروردگارش بر زبان آورد. (ص ۱۹۴)^۱
در کتاب **بر لب دریای مثنوی معنوی** آمده: تا آدمی درد فراق را تجربه نکرده باشد، حکایت فراق را در نیافته است. (ص ۱۵ دیباچه)^۲
استاد دکتر توفیق هـ سبحانی هم در شرح این بیت یادآوری کرده‌اند که: دلی که از دوری یار چاک‌چاک شده باشد و مراد آن است که در فهم مقصود جنسیت و سنخیت شرط است تا کسی اهل درد نباشد، سخن دردمندان را نمی‌تواند درک کند، زیرا گفته‌اند: السنخیه علة الصنم: هم‌گونی مایه‌ی هم‌پیوندی است. (ص ۱۸)^۳

در شرح انقروی بر **مثنوی معنوی** مولوی آمده: من برای گفتن این سخنان و برای شرح این اسرار سینه‌ی بی‌کینه و بسیار آرام (؟) می‌خواهم که از فراق یار حقیقی شرحه‌شرحه باشد تا به یک چنین شهی قابل و مستور درد و اشتیاقی که به آن حضرت دارم بگویم و اسرار او را برای کسی که دارای صفات مذکور باشد، شرح دهم. (شرح کبیر، ص ۱۲)^۴

علامه محمدتقی جعفری در تفسیر و نقد و تحلیل **مثنوی** با عنوان «نمودهای روانی قابل مشاهده نیست»، در شرح این بیت نوشته‌اند: کسی که یک پدیده‌ی روحی را در درون خویش دریافت نکرده، نمی‌تواند از الفاظ و حرکات دیگران آن پدیده را دریافت نماید... روی همین اصل اشتیاق به وصال را کسی می‌تواند درک کند که زیبایی و عظمت معشوق و شایستگی او را دریابد و در نتیجه تلخی فراق و جدایی را که هم مولود هیجان اشتیاق به وصال و نرسیدن به محبوب است، بچشد. (ج اول، ص ۷)^۵

سایر شرح‌ها و گزینه‌های **مثنوی معنوی** نکته‌ی خاصی ندارند و همه گفته‌های پیشینیان است.^۶

اما قدیمی‌ترین شرح «خواجه ایوب» و بحرالعلوم در شرح این بیت گفته‌اند که: مولانا این سینه‌ی چاک‌چاک را برای خود می‌خواهد و مراد از آن شرح صدر است تا بتواند درد عشق نهایی را بیان کند. استاد بدیع‌الزمان فروزانفر در شرح **مثنوی** شریف نوشته‌اند: این معنی اگرچه غلط نیست، ولی با ابیات بعد که حاکی از سوء فهم مستمعان و شکایت از فقدان مردم اهل و هم‌جنس است. مبیانت

دارد. (ص ۱۱)^۷ و مضمون بیت را ظاهراً مقتبس از این روایت می‌دانند: «یوسف بن الحسین در نزدیک خواص شد و چند روز بود تا از عیادت و تفهید او غافل مانده بود. وی را گفت: هیچ چیزت آرزو می‌کند. گفت: پاره جگر بریان آرزوی همی کند». (ترجمه‌ی رساله‌ی قشیری، ص ۵۳۰)^۸
از معانی شرح و شرحه آشکارا و گشاده‌کردن است و سینه‌ی دارای شرح صدر، سینه‌ی گشاده است که ظرفیت تحمل درد و فراق و جدایی را داشته باشد. خداوند تبارک و تعالی خطاب به پیامبر گرامی اسلام فرمود: الم نشرح لك صدرک (سوره‌ی شرح، ۹۴، آیه ۱) (آیا سینه‌ی تو را گشاده نکردیم و به تو شرح صدر ندادیم.) تا تحمل تو در مقابل مشکلات زیاد گردد. حضرت موسی از انبیای اولوالعزم بود و از جانب رب‌الارباب استدعای شرح صدر نمود که: «ربِّ الشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدۀ من لسانی و یفقهوا القولی».

(قرآن کریم، سوره‌ی ۲۰، آیه ۲۵)

یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا

یار تویی غار تویی خواجه نگه‌دار مرا

آمده است:

نوح تویی، روح تویی فاتح و مفتوح تویی

سینه‌ی مشروح تویی بر در اسرار مرا (ص ۲۳)

و در غزلی دیگر با مطلع:

یاران سحرخیزان تا صبح که دریابد

تا ذره صفت ما را که زیر و زبر یابد

آورده است:

رهرو، بهل افسانه تا محرم و بیگانه

از نور الم نشرح بی‌شرح تو دریابد (ص ۱۲۷)^۹

پیش از مولانا، سنایی در **حدیقة الحقیقة** هم به این موضوع اشاره داشته است.

همه خلق و وفا و بسط و فرح

شرط این نقلها الم نشرح...

سینه‌ی او گشاده روح نخست

هرچه جز پاک دید پاک بشست^{۱۰}

(ص ۲۰۰، سطر ۱۸ و ۲۰)

که اشاره به واقعه‌ی شق صدر حضرت رسول است که اغلب اهل سیر و حدیث ذکر کرده‌اند. (ابن عساکر در تاریخ کبیر، ج ۱، ص ۳۶۹) و مسلم در کتاب **صحیح** خود، ج ۲، ص ۲۱۶ از انس بن مالک روایت کرده‌اند و در کتاب **قصص الانبیا** تالیف ابواسحق نیشابوری ص ۴۰۴ و ۴۰۵ به روایت‌های گوناگون آمده است.

مؤلف **مرزبان نامه** در تهذیب کتاب که مدت‌ها در گمنامی بوده،

از غزلیات شمس

ای خدا این وصل را هجران مکن
سرخوشان عشق را نالان مکن
نیست در عالم ز هجران تلخ‌تر
هرچه خواهی کن ولیکن آن مکن

شماره ۲۷۵۵۹
تاریخ ۸۶/۶/۲۹
پوست

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی
بجانب

مدیر مسئول محترم نشریه «حافظ»
با سلام؛
احتراماً با توجه به اینکه کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی بعنوان آرشیو ملی محسوب می‌شود،
سیاسگذار خواهیم بود دستور فرمایید به تعداد ۲ نسخه از آن نشریه
را به این کتابخانه ارسال و مارا در لیست مشترکین و دریافت
کنندگان دانشی این نشریه قرار دهند. در ضمن شماره‌های ۳۱ و ۳۴
الی ۳۸ از آن نشریه را دریافت نمودهایم.
از بذل توجه شما سپاسگذارم.

مهدی کریمیان
معاون علمی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی

تهران: ضلع شرقی میدان بهارستان کتابخانه مجلس شورای اسلامی
ص پ: ۱۱۴-۱۱۵۷۵ تلفکس: ۳۳۱۲۸۰۲۴

ماهنامه‌ی دیگر به نام «پروین»

دومین شماره‌ی ماهنامه‌ی پروین به صاحب‌امتیازی و مدیر
مسئولی خانم معصومه بیات و سردبیری سیدحسین امین از چاپ
برآمد. سیدحسین امین در سرمقاله‌ی نخستین شماره‌ی این
ماهنامه‌ی جدید نوشته است:

«تجربه‌ی من از چهار ماهنامه‌ی که تاکنون سردبیری کرده‌ام،
بر من ثابت کرده است که اولاً قلم‌زنی مؤثر و تأثیرگذار است. ثانیاً،
تکلیف اهل قلم، «ابلاغ رسالت» و «گفتن شرط بلاغ» است. ثالثاً
در ادای این تکلیف، نه سود مادی هست و نه در جو اختناق می‌توان
از جهت روحی، صددرد، ارضاء شد. با این همه، اگر وارد معقولات
نمی‌توان شد، وارد مشارکت در تلاش‌های مدنی، اجتماعی،
فرهنگی و ادبی که می‌توان. با ما همراه شوید و ما را در این خدمت
فرهنگی یاری دهید.»

امیدواریم ماهنامه‌ی پروین، به سرنوشت حافظ! دچار نشود؛
اما هدف ما از نشر مجله «ادای وظیفه» بی‌ست که نمی‌توانیم برای
حفاظت مجله از توقیف و لغو مجوز، از آن اهداف سخن نگوییم.
وظیفه‌ی ما حق‌گویی و حق‌نویسی است.

آورد: پنداری که این عروس زیبا که از پس پرده‌ی خمبول بماند و
چون دیگر جواری منشآت در بحر و بر سفر نکرد و شهرتی لایق
نیافت، هم بدین جهت بود که چون ظاهری آراسته نداشت، دوای
غیب از باطن جویندگان به تحصیل آن متداعی نیامد.

از این شگرف‌تر اندیشه نیست در عمل آر
و گرنه ره مده اندیشه را به خاطر خویش
مرا سینه‌ی اهل از شرح این سخن منشرح شد. (مرزبان‌نامه، ص
۱۱) و شواهد فراوانی در متون نظم و نثر در این مورد وجود دارد.

در فرهنگ‌واره‌های تأثیر آیات قرآن در ابیات مثنوی هم برای این
بیت شواهد قرآنی (تلمیحات) ذکر نشده است. ۱۲

در دفتر پنجم مثنوی در بحثی به نام علم - عمل - طریقت در ۴
بیت دیگر شرح دل و انشراح صدر آمده است. (توفیق سبحانی، ص ۱۶۵)
با توجه به شواهد متعدد از مولانا در مثنوی معنوی و غزلیات
شمس و دیگر آثار ادبی به نظم و نثر، آیا نمی‌توان سینه‌ی
شرحه‌شرحه را همان سینه‌ی گشاده و شرح صدر دانست که مولانا
خود استدعای چنین شرح صدری را دارد که تاب و تحمل فراق و
جدایی و درد و رنج را داشته باشد و بتواند از درد اشتیاق سخن بگوید.
البته نظر نهایی با استادان فرهیخته و فرزانه‌ی بی‌ست که در ارتباط با
مولانا و آثار او پژوهش‌های در خوری انجام داده‌اند و رأی و اندیشه‌ی
آنان همانند چراغی فروزان فراراه علاقه‌مندان به مولانا و مثنوی
معنوی خواهد بود. شاید هم مولوی به صورت ایهامی هر دو موضوع
را مد نظر قرار داده است.

غرق عشقی‌ام که غرق است اندرین
عشق‌های اولین و آخرین
مجلس گفتم نکردم زان بیان
ورنه هم افهام سوزد هم زبان
من چو لب گویم لب دریا بود
من چو لا گویم مراد آلا بود

منابع و ماخذ

۱- مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات و فهرست‌ها، دکتر
محمد استعلامی، ج اول، انتشارات زوار، ۱۳۷۵. ۲- بر لب دریای مثنوی معنوی
(بیان مقاصد ابیات)، کریم زمانی، ج اول، نشر قطره، ۱۳۸۲. ۳- گزینه‌ی مثنوی،
انتخاب و شرح دکتر توفیق، ه سبجانی، نشر قطره، ۱۳۷۲. ۴- شرح کبیر انقروی
بر مثنوی معنوی مولوی، ج ۱، ترجمه‌ی دکتر عصمت ستارزاده، انتشارات برگ
زرین، ۱۳۸۰. ۵- تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی،
محمدتقی جعفری، ج ۱، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳. ۶- مکاشفات رضوی در شرح
مثنوی معنوی، محمدرضا لاهوتی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات رضا روحانی، سروش،
۱۳۸۱، از نی‌نامه (گزیده‌ی مثنوی معنوی)، انتخاب و توضیح دکتر عبدالحسین
زرین‌کوب، دکتر قمر آریان، انتشارات سخن، ۱۳۷۷. ۷- شرح مثنوی شریف،
تالیف بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات زوار، ۱۳۸۳، گزینه‌ی مثنوی، انتخاب و شرح
و توضیحات از استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، جامی، ۱۳۸۳. ۸- ترجمه‌ی رساله‌ی
قشیریه، بدیع‌الزمان فروزانفر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۶. ۹- گزیده‌ی
غزلیات شمس، جلال‌الدین محمد بلخی، به کوشش دکتر محمدرضا شفعی
کدکنی، امیرکبیر، ۱۳۶۷. ۱۰- تعلیقات حدیقه‌الحقیقه، جمع و تالیف مدرس
رضوی، موسسه‌ی مطبوعاتی علمی. ۱۱- مرزبان‌نامه، تحریر سعدالدین وروینی،
تصحیح محمد روشن، نشر نو، ۱۳۶۷. ۱۲- فرهنگ‌واره‌ی تأثیر آیات قرآن در
ابیات مثنوی، تدوین سیامک مختاری و بهاء‌الدین خرمشاهی، نشر قطره، ۱۳۸۳،
آیات مثنوی از محمود درگاهی و آیات مثنوی معنوی نظام‌الدین نوری.